



جایگاه کمرنگ مطالعه و پژوهش در جامعه ما

# درس می‌خوانیم کتاب نمی‌خوانیم!

■ **سیدمصطفی رنجبر**

**جوامعی که در آن سرانه‌مطالعه بالاتر از میانگین جهانی است جوامعی پیشرواز نظر علمی وصنعتی هستند، چراکه‌اگر در جامعه‌ای پیشرفت و پویایی وجود داشته باشدبی‌هیچ تردیدی آن پیشرفت و پویایی به سطح آگاهی و دانش نیروی انسانی آن بستگی دارد یا به عبارت بهتر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کیفیت نیروی انسانی آن جامعه سطح دانش و مهارت آنهاست.**

■ **درس بخوان، کتاب نخوان!**

در بسیاری از جوامع در حال توسعه از یک سو نبود رفاه و امکانات کافی باعث شده رسیدن به رفاه و منابع مادی دارای اولویت شود و از سوی دیگر بسیاری از ارزش‌ها و هنجراها متمرکز در امور اقتصادی شده است و در این نوع جوامع چیزی که سود مادی نداشته باشد از نظر اکثریت مردم واهی و بی‌ثمر است. بنابراین از کودکانشان هم انتظار دارند تا درس بخوانند شاید از این فرصت استفاده کنند و بتوانند شغل پیدا کرده و از طریق آن امرار معاش کنند، یعنی مطالعه برای معیشت، از این رو با این ارزش‌های تبعیدی که فقط بر مادیات و نیازهای اولیه تأکید می‌کنند نمی‌توان امید به افزایش سرانه مطالعه در این جوامع داشت.

■ **کتاب و ذهن پرسشگر**

از سوی دیگر لازم است بدانیم در جامعه‌ای سرانه مطالعه بیشتر است که مردمش ذهنیتی پرسشگر و فعال داشته باشند و از این منظر اگر به تاریخ رجوع کنیم به عینه خواهیم دید جوامعی دارای بیشترین فیلسوفان و متفکران بوده‌اند که بر مدهش ذهنیتی پرسشگر و خلاق داشته‌اند. مانند یونان باستان که زمانی مهد فلسفه بود و فیلسوفانی چون تالس، سقراط، افلاطون و ارسطو در خود پرورش داد چون جامعه‌ای بود که در مواجهه با عالم هستی، پرسش داشت و آن پرسش چورا بود. بنابراین اگر در جامعه‌ای می‌بینیم سرانه مطالعه پایین

■ **پهنام صدقی**

شنیدن این موضوع که سرانه مطالعه کتاب در ایران برای هر نفر ۲ تا ۳ دقیقه در شبانه‌روز است بی‌شک قابل تأمل و توجه است. هر از گاهی خبسی بی‌این اهمیت و محتوا را از رسانه‌های مختلف می‌شنویم و پیگیری می‌کنیم، اما هیچ اقدام خاصی برای افزایش میزان مطالعه انجام نمی‌دهیم. در صورتی که فرآیند عادت کردن به مطالعه و درونی‌کردن این عادت ستوده شده چه از لحاظ دینی و چه فرهنگی در همه مقوله‌ها مورد تأکید واقع شده است. در واقع کتاب در هر جامعه‌ای می‌تواند همانند یک مقیاس و ترازو باشد. مقوله کتابخوانی معیاری مورد پذیرش از طرف همه افراد و بهترین وسیله برای رشد فردی، اجتماعی و فرهنگی افراد جامعه است. یکی از بهترین دوره‌های سنی برای انس با کتاب، دوران کودکی است. حتی در دوران قبل از رفتن کودک به سن مدرسه، والدین می‌توانند پایه‌ها و بنیان این عادت مناسب را در کودکان خود نهادینه کنند.

پریناز مهرایی روانشناس در گفت‌وگو با ما در این زمینه می‌گوید: «عسادت به مطالعه کتاب که یک وسیله با ارزش برای گذران اوقات فراغت است را در وجود فرزندانمان بسط و معنا بدهیم. در واقع در دنیای مدرن و علمی امروز بهترین ابزار و وسیله مفید برای یادگیری و افزایش ارتباط بین افراد، کتاب‌ها هستند. پس کتاب باید یکی از ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین راه برای همه اقشار جامعه باشد.» ادامه گفته‌های این



**اگر سعی کنیم از سنین پایین کودکان، به جای جذب کردن آنها به انواع بازی‌های رایانه و تبلت و... فرزندانمان را با کتاب‌ها مأنوس کنیم، دوستی عمیقی بین آنان و کتاب به وجود می‌آوریم که این رفاقت در تمام دوران تحصیلی و سنین مختلف عمق بیشتری پیدا می‌کند**

است به این دلیل است که رخت و تنبلی فکری در آن نهادینه شده و این سبک از زندگی باعث می‌شود که مردم بدون دغدغه و پرسش زندگی کنند. انسان و جامعه‌ای که پرسش نداشته باشد درونش را به عالم هستی و رازها بسته است.

از نظر جامعه‌شناسی اگر کنششی اجتماعی بخواد شکل بگیرد باید نیازی وجود داشته باشد تا به وسیله این کنش، نیاز ارضا شود. در این صورت اگر مطالعه را به عنوان کنششی اجتماعی قلمداد کنیم نیاز اساسی که از این طریق ارضا می‌شود نیاز به دانایی است که از طریق پرسش آغاز می‌شود.

■ **قصور نهادهای جامعه‌پذیر**

یکی دیگر از عواملی که باعث می‌شود سرانه مطالعه در جامعه پایین بیاید نارسایی‌های موجود در نهادهای جامعه‌پذیر- از جمله آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها است. چراکه مطالعه شرايطی دارد که از جمله آنها می‌توان به شرایط سمعی، بصری، استدلال و فهم اشاره کرد.

سؤال اساسی این است که اگر در جامعه این همه تحصیلکرده داریم و با افتخار هم می‌گوییم که در صد بی‌سوادی را کاهش دادیم پس چرا با این وجود در جامعه ما سرانه مطالعه پایین است؟ آیا این مسئله دال بر وجود نارسایی در نهادهای آموزشی ما نیست؟ و سؤال دیگر این است که چند درصد از جوانان

### سبک‌تربیت

**چند پیشنهاد برای انس فرزندان با یار مهربان**

## دوستی کودک و کتاب را پایدار کنیم



کارشناس درباره راه‌های انس کودکان و نوجوانان با کتاب را می‌خوانید.

■ **کتاب، ابزاری برای شکوفایی**

کتاب باعث به دست آوردن و افزایش میزان اعتماد به نفس، جرئت و خودباوری افراد می‌شود. کتاب ابزاری برای وادار کردن ما به تفکر درباره موضوعات و مقوله‌های متفاوت به منظور افزایش میزان خلاقیت افراد و هدایت جامعه به سمت رشد و خودباوری، شکوفایی و استقلال است. افراد جامعه در هر دوره سنی‌ای که باشند باز هم کتاب‌ها برای آنها سرمایه‌ای جاودانه در ذهن بوده و آثار آنها تا ابد بر روح، روان و شخصیت فرد پابرجا خواهد بود. ابزاری که قدرت ارتباط مسا با دیگران را بالا می‌برد و باعث می‌شود ما بتوانیم روی اطرافیان و به‌خصوص خانواده خود تأثیرگذار بوده و همیشه کلام مفیدی برای اثرگذاری روی افراد داشته باشیم.

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

### نگاه

از رستوران تا کتابخانه راهی نیست!

## کتاب همیشه با من است

■ **فرزانه نوریان**

شرایط بدی را می‌گذراندم. لحظات خوبی سپری نمی‌شد. نمی‌توانستم در مورد مشکلم با کسی صحبت کنم. حس می‌کردم این مشکل، منحصر به من است و کسی نه تجربه کرده و نه من می‌توانستم بیان کنم. حالا این سکوت دلپش چه چیز بود، مرا در فکر فرو برده بود و هر لحظه برای من سخت می‌گذشت و من احساس ناتوانی بیشتری می‌کردم. وقتی مضطرب می‌شوم آرام و قرار ندارم. بلند شدم تا قدم بردارم تا شاید از بار احساس منفی که تجربه می‌کردم بکاهم. بی‌هدف بلند شدم و در خانه قدم می‌زدم، قدم‌هایم یساری‌دم نمی‌کرد. خودم را جلوی کتابخانه قدیمی دیدم و از سر بی‌میلی نگاهی به کتاب‌ها انداختم. کتاب خاصی نظرم را جلب نکرد اما با خود گفتم بد نیست کتابی را انتخاب و کمی خودم را سرگرم کنم، این بار نگاه دقیق‌تری به کتاب‌ها انداختم، ناگهان کتاب بنفش رنگی نظرم را به خود جلب کرد، اسمش برایم جالب به نظر آمد، کتاب را برداشتم و همین‌طور که قدم می‌زدم ورق زدم و شروع به مطالعه کردم. تا به خودم آمدم دیدم دو ساعتی است که با کتاب مشغولم. احساس بهتری داشتم. در عین اینکه احساس می‌کردم جملات و کلمات ناخودآگاه توانسته حس بهتری در من ایجاد کند و حتی راه‌هایی را به رویم بگشاید.

اکنون دیگر احساس درماندگی نمی‌کردم، نمی‌دانم این کتاب سحر بود یا جادو اما هر چه بود من بهتر بودم و امیدوار تر. همچنان که می‌خواندم: «شما خالق دنیای خویش هستید، هیچ چیز صد در صد نمی‌تواند شما را به هم بریزد و این شما هستید که باید سکان امور را به دست بگیرید...» این کلمات در ذهنم تکرار می‌شد و احساس می‌کردم که سبک شده‌ام. چون احساس راه‌یی از تنش را داشتم، انگار که ساعت‌ها با دوستی که قضاوت نمی‌کند صحبت کرده‌ای!

در این لحظه بود که این جمله که کتاب بهترین دوست شماست، بیش از پیش در ذهنم تداعی می‌شد و واقعا احساس کردم که کتاب می‌تواند دوست و راه‌گشا باشد، زیرا



بایید با خود روراست باشیم. ما چقدر زمان خود را به مسائلی اختصاص می‌دهیم که از درجه اهمیت پایینی برخوردار است؟ پس خودمان سر منشأ مسائل یا حل آنها هستیم و از ماست که بر ماست! چه خوب است دور همی‌هایی با عنوان «کتاب هم بخوانیم»، راه بیندازیم تا بیش از این یادمان نرود ما همان ایرانیانی هستیم که بهترین کتاب‌ها را نگاه‌اشتمیم و در این امر از پیشگامان بودیم. دور همی‌هایی بگذاریم با اعضای خانواده به گردش‌ای از جنس کتاب برویم و تازه‌های کتاب را در هر سنی تهیه کرده و فرهنگ «کتاب من، کتاب تو، کتاب ما» را راه انداخته و حفظش کنیم. کتاب، اتفاقات بسیاری را رقم می‌زند. اگر ما آن را جدی بگیریم، با ایجاد فرهنگ کتابخوانی خیلی از فرهنگ‌ها را در خانواده‌هایمان نهادینه می‌کنیم و کافی است اول خود به آن باور داشته باشیم و شروع کنیم، خودبه‌خود خانواده نیز به این سمت می‌رود. کتابخوانی علاوه بر افزایش تمرکز برای ما، می‌تواند مهارت‌های زیادی را به ما و خانواده‌مان آموزش دهد. بی‌شک همه به بعد بود که در مواقع مختلف حتی در زمان ناراحتی در کنار قدم زدن‌های بی‌قرارانه و استرس خوردن‌ها کتابی هم در دستم بود و یاد بگیرتم بتوانم با آن آرام باشم و راحم را بیابم.

■ ■ ■

همه ما این مسئله که سرانه مطالعه ما بسیار پایین است را قبول داریم و اینکه ما با کتاب بیگانه هستیم، چیز عجیبی نیست، چون فضای را برای آن قرار نداده‌ایم و جایی در بین ما ندار. حالا غمناک‌کننده باشد.

همه ما به مراکز خرید، رستوران‌ها و... می‌رویم و اگر در ماه یا هفته به این جور فضاهایم برویم کمبود آن را احساس می‌کنیم، در صورتی که برای ما کتاب دیدن و خریدن آن شاید فقط به نمایشگاه سالانه کتاب ختم شود که البته آن

تفکر کاسبکارانه نسبت به کسب مدرک دانشگاهی باعث شده ساختار آموزش و پرورش و دانشگاهی ما نتواند ذهنیت پرسشگر و خلاق را در بین نسل‌هایی که پرورش می‌دهد بیدار کند تا تشنه مطالعه باشند و فضیلت دانش‌های دیگر را بدانند. از این روست که ما با تناقض بسیار بزرگ آماری در جامعه مواجهیم یعنی جامعه‌ای با درصد باسوادی بالا اما با سرانه مطالعه پایین!

در جوامع در حال توسعه نیز هر چند تلاش‌هایی برای افزایش مطالعه صورت گرفته است اما به نظر می‌رسد این تلاش‌ها نتوانسته‌اند چندان موفق شوند و یکی از مهم‌ترین موانعی که باعث شده این تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها موفق نباشند وضعیت نابسامان سطح زندگی و معیشتی مردم آن است. پس رابطه‌ای مستقیم میان تمایل به مطالعه و پژوهش از یک سو و شرایط اقتصادی و معیشتی مردم از سوی دیگر وجود دارد.

دانشگاهی ما با پرسش و داشتن دغدغه‌ای فکری به سراغ رشته تخصصی خود رفتند؟ متأسفانه خیلی وقت‌ها می‌بینیم که دانشجویان در رشته‌های دانشگاهی که از نظر شغلی موفق‌ترند دانشجویان رشته‌های دانشگاهی دیگر را که بیشتر علوم پایه‌اند مسخره می‌کنند یا به دیده تحقیر نگاه می‌کنند. این وضعیت نشان‌دهنده چیست؟

این وضعیتی است که من آن را به تقابل دو دیدگاه که نسبت به دانش اندوزی وجود دارد می‌نامم. یکی دیدگاه ابزاری نسبت به علوم و دیگری دیدگاهی فضیلت‌مدارانه نسبت به علوم، که متأسفانه دیدگاه ابزاری نسبت به علوم مسلط بوده و آن ابزاری بودن علم

نسبت به کسب در آمد و منافع مادی است.

متأسفانه تفکر کاسبکارانه نسبت به کسب مدرک دانشگاهی باعث شده ساختار آموزش و پرورش و دانشگاهی ما نتواند ذهنیت پرسشگر و خلاق را در بین نسل‌هایی که پرورش می‌دهد بیدار کند تا تشنه مطالعه باشند و فضیلت دانش‌های دیگر را بدانند.

از این روست که ما با تناقض بسیار بزرگ آماری در جامعه مواجهیم یعنی جامعه‌ای با درصد باسوادی بالا اما با سرانه مطالعه پایین!

■ **حاصله کتاب خواندن نداریم**

از دیگر عارضه‌های فرهنگی که باعث می‌شود سرانه مطالعه در جامعه ما پایین بیاید این است که مردمی

اثرات مفید کتاب‌ها بر ذهن و روان ما بگویند.

■ **ایجاد مراکز عرضه کتاب مخصوص کودکان**
والدین در اقدام بعدی می‌توانند هفته‌ای یک بار یا دو هفته‌ای یک بار همراه فرزندان خود، به کتاب‌فروشی‌ها رفته و به آنها اجازه دهند دقایقی ذهن و فکر خود را درگیر و غرق تفکر درباره کتاب‌ها کنند. حتی می‌توانیم در کتاب‌فروشی‌ها، شهر کتاب‌ها و مراکز عرضه کننده کتاب مکان‌هایی را تعبیه کنیم تا کودکان فرصتی برای نگاه کردن به جلد و عکس‌های کتاب داشته باشند و بتوانند با میل و رغبت کتاب‌های خود را انتخاب کنند.

باید به آنها فرصت تجربه خرید کتاب در حوزه‌های مختلف را بدهیم. مثلاً اگر فرزند ما به موضوعی علاقه‌ندارد یا مثلاً فقط به خاطر طرح جلد یا نام کتاب آن را انتخاب کرده است ممانعت نکنیم و آنها را در انتخاب کتاب‌های خود آزاد بگذاریم. به آنها فرصت و تجربه انتخاب کردن را بدهیم. چون همین فرصت‌ها و انتخاب‌های کوچک باعث به دست آوردن تجربه برای آینده آنها و جلوگیری از بروز بسیاری از اشتباهات در آنها می‌شود.

■ **فرزندانمان را با کتاب مأنوس کنیم**

اگر سعی کنیم از سنین پایین کودکان، به جای جذب کردن آنها به انواع بازی‌های رایانه و تبلت و... فرزندانمان را با کتاب‌ها مأنوس کنیم، دوستی عمیقی بین آنان و کتاب به وجود می‌آوریم که این رفاقت در تمام دوران تحصیلی و سنین مختلف عمق بیشتر و مهم‌تری پیدا می‌کند.

دیگر لازم نیست نگران معضل کمبود ساعات مطالعه و تبعات آن باشیم. در واقع با جدا انداختن و درونی کردن مطالعه و فرایند آن می‌توان به عنوان تکیه‌گاه و باوری از آن استفاده کرده و به قوایند ارزنده آن از جمله یادگیری مهارت‌های پایه‌ای، افزایش فعالیت فرآیندهای ذهنی در بخش‌های مختلف مغز و آشنایی با فرهنگ و تمدن‌های مختلف و افزایش قدرت خلاقیت و استدلال امید بست.

امیر بیان، حضرت علی(ع) می‌فرماید: هر کسی که با کتاب آرامش یابد، راحتی و آرامش از او سلب نمی‌شود.

